

## تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت ملی در دوران دفاع مقدس گارینه کشیشیان سیرکی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

**چکیده:** سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌هایی مانند اعتماد، مشارکت، انسجام و ارزش‌ها شناخته می‌شود و امنیت ملی توانایی یک دولت در جلوگیری از تهدید نسبت به سه مؤلفه تمامیت ارضی، جامعه و رژیم است که مهم‌ترین عناصر بقای دولت محسوب می‌شوند. امنیت ملی از پنج بخش امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی تشکیل شده است. هدف از نگارش مقاله حاضر، پاسخ به این سؤال بود که سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر امنیت ملی در هشت سال دفاع مقدس داشته است؟ براین اساس، فرضیه پژوهش بر پایه مؤلفه‌های بنیادین سرمایه اجتماعی، در تناظری مستقیم با مصادیق هشت سال دفاع مقدس، با روش تاریخی و با استفاده از ابزار اسنادی و منابع کتابخانه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در طی هشت سال جنگ تحمیلی توانست با سرودن حدیث پایداری، رشادت و دلاوری، امنیت، بقاء و عزت را برای ملت ایران به ارمغان آورد. یافته‌های به‌دست آمده از این مطالعه بیانگر وجود رابطه‌ای مستقیم و معنادار میان سرمایه اجتماعی و امنیت ملی به خصوص در بُعد داخلی، در مطالعه موردی دفاع مقدس است. با توجه به عمق و شعاع این ارتباط به نظر می‌رسد با تمرکز بر سرمایه اجتماعی بیش از سایر سرمایه‌ها به‌خوبی می‌توان بر مشکلات و مصائب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کنونی کشور نیز فائق آمد.

**واژگان اصلی:** سرمایه اجتماعی، امنیت ملی، دفاع مقدس، اعتماد، مشارکت اجتماعی.

۱. گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

نظریه‌های دولت، فلسفه وجودی دولت را بیشتر در برقراری امنیت جست‌وجو می‌کنند، چرا که تأمین امنیت جزء وظایف اصلی دولت‌هاست. در گذشته امنیت حوزه محدودی داشت، اما کم‌کم تفاسیر موسع از آن انجام شد و ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به خود گرفت و در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی مطرح گردید.

رشد و اعتلای هر کشور و تحقق امنیت ملی آن مستلزم شناخت و استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیداتی است که ممکن است فراروی آن کشور قرار گیرد. فرصت‌ها برای هر کشوری می‌تواند ناشی از فرآیندها و تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. همچنین تهدیدات نیز ناشی از فرآیندهای مختلفی است که ریشه در سطوح مختلف دارند. در همین راستا یکی از تهدیداتی که بر علیه هر کشوری می‌تواند وجود داشته باشد؛ جنگ است.

کشور ایران به‌عنوان یکی از معدود کشورهای جهان به‌دلیل قرارگرفتن در یک موقعیت استراتژیکی، ژئوپلیتیکی، ژئوآکونومیکی، ژئوکالچری و... در طول تاریخ، شاهد اُفت‌وخیزهای فراوانی بوده و به دلایل اقلیمی خاص، مورد طمع و تهاجم بسیاری از اقوام و ملل گوناگون بوده است. اما متأخرترین جنگی که برای ایران اتفاق افتاد؛ دقیقاً چند ماه پس از برقراری جمهوری اسلامی ایران بود. این اولین بار در دویست سال اخیر بود که نه یک کشور، بلکه بالغ بر ۳۸ کشور به طور مستقیم و بیش از ۷۰ کشور به صورت غیرمستقیم از کشور متخاصم عراق پشتیبانی نمودند.

رژیم بعث عراق که به خاطر وقوع انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۵۷ و وضعیت تقریباً ناپایدار ایران در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... پس از تغییر رژیم ستم‌شاهی، موقعیت را مناسب می‌دید، تهاجمی هشت ساله را با خیال واهی تصرف یک هفته‌ای ایران و ضمیمه کردن خوزستان به خاک خود، آغاز نمود. این رژیم با پشتوانه اطلاعاتی و نظامی کشورهای متعددی اتاق جنگ خود را به رهبری ایالات متحده آمریکا تشکیل داد و همه زوایای سیاسی، امنیتی - نظامی را سنجیده بود و طرحی برای آن ریخته بود. تنها مواردی که درباره آن هیچ فکری نکرده بود موضوع فرهنگ جمعی، هویت ایرانی - اسلامی و روحیه ایثار، خودباوری، اعتماد، مشارکت و همیاری مردم ایران بود.

ملت ایران نیز با کنارگذاشتن گرایش‌های فردگرایانه و منافع شخصی و در صفتی واحد و منسجم و با اعتماد به نظام سیاسی سنگری رفیع و دژی تسخیرناپذیر را در مقابل دشمن ایجاد کردند. این در حالی بود که کشور به علت شرایط خاص خود شاهد تضعیف و فرسایش

سرمایه‌های فیزیکی و اقتصادی بود و سرمایه‌ای دیگر را به نام «سرمایه اجتماعی»<sup>۱</sup> جایگزین کرد. این سرمایه توانست سرمایه‌های دیگر را نیز تقویت نماید و این همان نقطه غفلت دشمنان و عامل عقیم ماندن تجاوز بود.

این سرمایه که اندیشمندان آن را به عنوان «ثروت نامرئی کشور» قلمداد می‌کنند، با پرورش ارزش‌ها و هنجارهای خاص بر همبستگی و همیاری، اعتماد متقابل، انسجام ملی، ایثار، گذشت و فداکاری مبتنی بوده و با کم‌رنگ کردن فاصله‌های طبقاتی، نژادی، مذهبی، زبانی و... بر وحدت ملی و تأمین و تضمین امنیت ملی تأکید داشت. بر این اساس سرمایه اجتماعی با کاربست مؤلفه‌های خود، امنیت و مصونیت را برای ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی به ارمغان آورد. حال سئوالی که مطرح می‌شود این است که تأثیر سرمایه اجتماعی در تضمین امنیت ملی در هشت سال دفاع مقدس چه بوده است؟ در این نوشتار تلاش خواهد شد که با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این مهم پرداخته شود.

### ۱- پیشینه پژوهش

جهانگیری و همکارانش (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در عرصه جهانی به‌ویژه دفاع مقدس» به شرایط ژئوپلیتیک ایران اشاره داشته و استدلال می‌کنند که روند تحولات ژئوپلیتیک ایران بسیار سریع و در دهه‌های اخیر بیشتر تحت تأثیر روند تغییر و تحولات درونی جامعه ایران و توان قدرت‌زایی درونی و انقلابی بوده و عوامل خارجی و بین‌المللی نقش ثانویه را در این روند داشته است. از منظر آنان باید توجه کرد که گسترش فعالیت‌های نظامی، براساس نیازهای درونی و بیرونی و کمبود تاریخی امنیت شکل گرفته که ممکن است این واقع‌گرایی را تکامل بخشد و در جهت ساخت نظام امنیتی پایدار و برون‌رفت از چالش‌های پیش‌رو در این قرن بسیار اثربخش باشد. البته موضوع مقاله جهانگیری و همکارانش متمرکز بر دوران دفاع مقدس است ولی تفاوت آن با مقاله نگارنده در این است که به موضوع سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی پرداخته نشده است.

مولایی آرانی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل جهت‌دهنده سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس»، به بررسی نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در روند هشت سال

<sup>۱</sup> Social Capital

دفاع مقدس پرداخته و از طریق مصاحبه با فرماندهان و رزمندگان، به بررسی ۵۹ مفهوم اصلی در قالب یازده مقوله انتزاعی همچون رهبری و ولایت حضرت امام<sup>(ره)</sup>، مبانی اعتقادی مردم، صفات روحی مردم و... اشاره داشته‌اند.

کاظمی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در خاطرات آزادگان دفاع مقدس به مثابه سرمایه اجتماعی»، به ذکر مؤلفه‌های این سرمایه در جنگ تحمیلی پرداختند. آنان عنوان می‌نمایند که دو عنصر فرهنگ ایثار و شهادت که برگرفته از مفاهیم و آموزه‌های دین اسلام و مکتب تشیع است، در هشت سال جنگ تحمیلی و نیز در زمان اسارت آزادگان توانستند نقش مهمی در رشد و تقویت روحیه مشارکت، انسجام و همکاری و ایجاد شبکه‌های انسانی در سخت‌ترین شرایط ممکن همچون اردوگاه‌های دشمن داشته باشند. در این مقاله فقط به دو مؤلفه اشاره شده و تأثیر آن‌ها بر امنیت ملی نیز سنجیده نشده است.

شهرام‌نیا (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پیروزی عملیات‌های جنگ تحمیلی» ضمن تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن به عوامل انسانی روابط اجتماعی همچون شخصیت حضرت امام<sup>(ره)</sup> در رهبری انقلاب، ایمان، معنویت، ایثار و فرهنگ شهادت در میان رزمندگان اشاره داشته و آن‌ها را به عنوان مؤلفه‌هایی مهم و تأثیرگذار در دفاع مقدس عنوان نموده است. در مقاله شهرام‌نیا به موضوع امنیت ملی اشاره‌ای نشده است. بنابراین نوآوری مقاله حاضر در گنجاندن مؤلفه امنیت ملی و بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مؤلفه امنیت ملی در هشت سال دفاع مقدس خواهد بود.

## ۲- چارچوب نظری

در این مقاله برای تبیین مفهوم امنیت ملی از الگوی غالب مکتب «کپنهاگ» و چهره شناخته شده آن یعنی «باری بوزان»<sup>۱</sup> استفاده خواهد شد. به منظور عملیاتی کردن مفاهیم و تبدیل مفاهیم انتزاعی به مفاهیم انضمامی، تلاش خواهد شد که مفهوم سرمایه اجتماعی با استفاده از نقاط قوت ایده‌های اندیشمندان این حوزه ارائه شود. لذا از رویکرد «رابرت پاتنام»<sup>۲</sup> به عنوان جامع‌ترین چارچوب علمی در ارائه این مفهوم (سرمایه اجتماعی) بهره به عمل می‌آید. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی

<sup>1</sup> Barry Buzan

<sup>2</sup> Robert Putnam

مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع متقابل آن‌ها را تأمین خواهد کرد که این منفعت می‌تواند در جهت تأمین امنیت اجتماعی نیز باشد. همچنین بر اساس نظر پاتنام، از ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی این است که پیوند ارتباطی میان افراد را تقویت می‌کند و این پیوندها موجب ارتقاء همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود و همکاری جمعی، اعتماد و همیاری را نیز افزایش می‌دهد. این برخورداری از سطوح بالای سرمایه اجتماعی قابلیت بالقوه و بالفعل تضمین و تأمین امنیت را دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۶۴). در واقع چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از تئوری‌های «باری-بوزان» و «رابرت پاتنام» است که بیشترین سنخیت و تجانس را با موضوع مقاله حاضر دارند.

بر این اساس با توجه به مؤلفه‌های درونی امنیت ملی از نظر باری بوزان، سرمایه اجتماعی نظام سیاسی ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی توانسته به صورت مستقیم، امنیت ملی کشور را تحت تأثیر قرار داده و با بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های این سرمایه، دشمن را در جبهه‌ها ناکام بگذارد. همچنین می‌توان چنین ادعا نمود که در این مقاله، سرمایه اجتماعی متغیر مستقل و تأثیرگذار بوده و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، متغیر وابسته و تأثیرپذیر از آن و لذا در دوران دفاع مقدس، امنیت ملی کشور به علت برخورداری از سرمایه اجتماعی بالا، علی‌رغم مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و آسیب‌های آن از وضعیت مناسبی برخوردار بوده است.

### ۳- تعریف مفاهیم

#### ۳-۱- امنیت ملی<sup>۱</sup>

امنیت، مفهومی سیال، متنوع و صورتی متغیر بوده که گستره بسیار وسیعی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی دارد و ارائه تعریفی کامل و جامع برای آن دشوار است (بخشی، ۱۳۹۵: ۴۲). از نظر باری بوزان، امنیت مفهومی اساساً مجادله‌آمیز است که یکی از ویژگی‌های آن «مناظرات و مجادلات غیرقابل حل در مورد معنا و کاربست آن» است (شاپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲). درباره مفهوم «امنیت ملی» این ابهام حتی بیشتر است. به باور بوزان، امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف، مبهم، ولی از نظر سیاسی اصطلاحی قدرتمند است. مفهوم نامشخص امنیت ملی راه

<sup>1</sup>National Security

را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد (شاپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳).

مقوله امنیت ملی از پنج بخش تأثیر می‌پذیرد: امنیت نظامی که به دو سطح تأثیر متقابل قابلیت‌های تهاجم و دفاع مسلحانه کشورها و برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر توجه دارد؛ امنیت سیاسی که به ثبات سازمانی کشور، سیستم دولت و ایدئولوژی‌هایی که به آنان مشروعیت می‌دهد، توجه می‌کند؛ امنیت اقتصادی که به دارا بودن منابع و بازارهای ضروری جهت دستیابی به سطح قابل قبولی از رفاه و قدرت (اقتصادی) کشور توجه دارد؛ امنیت اجتماعی که به حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی، ملی و آداب و رسوم در چارچوب شرایط قابل قبول برای تکامل تدریجی آن‌ها توجه می‌کند و امنیت زیست‌محیطی که به حفظ ابعاد محیط زیست در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد (تائب، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۳۹). همچنین امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور، یعنی آمادگی برای مخاصمه به‌خاطر بازداشتن آن یا دوری گزیدن از آن است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۳۸۰).

آرنولد و لفرز معتقد است، «امنیت ملی نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد». نقطه مشترک در تمام تعاریف امنیت ملی بر روی ضرورت «حفظ وجود خود» استوار است. به عبارت دیگر می‌توان امنیت را «حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین خطرات» دانست. برخی صاحب‌نظران حفظ خود یا «صیانت ذات و نفس» را در چهار پدیده زیر خلاصه کرده‌اند: ۱- حفظ جان مردم؛ ۲- حفظ تمامیت ارضی؛ ۳- حفظ نظام سیاسی اقتصادی؛ ۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۱). همچنین احساس امنیت به‌عنوان یک متغیر اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعدد اجتماعی و فردی قرار گیرد. از جمله عواملی که بر احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه تأثیر می‌گذارند، می‌توان به نابرابری اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی در دسترس، مشارکت، پایداری به ارزش‌های مشترک، اعتماد اجتماعی و عوامل و زمینه‌هایی مانند جنسیت، سن، نوع خانواده و... اشاره کرد (میری‌آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲۴).

برای درک مفهوم امنیت در قالب یک کشور یا دولت ملی، باید هفت ویژگی مهم امنیت ملی را دریافت که عبارتند از: وجوه عینی-ذهنی امنیت ملی، وجوه سلبی یا ایجابی آن؛ وجوه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امنیت ملی؛ وجوه داخلی و خارجی آن؛ وجوه تهدیدزا و آسیب‌زای آن؛ وجوه تهدید و فرصت امنیت ملی و در نهایت اینکه امنیت ملی دارای وجوه مطلق و نسبی است

(غرایاق‌زندى، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۰). همچنین امنیت ملی را به دو بُعد کاملاً به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تقسیم می‌نمایند.

علی‌رغم پیوستگی ابعاد امنیت ملی، با توجه به تهدیدات مختلف در بُعد داخلی امنیت ملی می‌توان به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها همانند انسجام ملی، هویت یکپارچه، اجماع نظر نخبگان قدرت سطح یک کشور، روحیه ملی (غرایاق‌زندى، ۱۳۹۰: ۲۴)، احساس ایمنی و احساس آزادی از ترس، اتحاد و همبستگی ملی (همسویی و همراهی وحدت ملی و یکپارچگی ملت با نظام سیاسی)، قدرت دفاعی و اعتماد به نظام و آینده کشور (اعتماد عمومی)، همیاری و همکاری عامه مردم در مقابل حوادث و رویدادهای ناگهانی و مجموعه‌ای از تجلیات سیاست داخلی مانند رفاه عمومی، دیوان‌سالاری کارآمد، وحدت و انسجام نخبگان، حقانیت و مشروعیت حکومت در میان مردم، ویژگی‌های ملی، یکپارچگی اجتماعی، ثبات سیاسی، شکل حکومت و قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی و...، به عنوان مؤلفه‌های امنیت ملی اشاره داشت (مرادیان، ۱۳۸۸: ۵۲).

### ۲-۳- مؤلفه‌های امنیت ملی

مؤلفه‌های امنیت ملی عبارتند از: حفظ جان مردم، حفظ استقلال، حاکمیت کشور و تمامیت ارضی، تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور و حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی که این چهار مؤلفه را به عنوان «جوهره امنیت ملی» نامیده‌اند (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۷).

### ۳-۳- منابع تهدیدکننده امنیت ملی

تهدید<sup>۱</sup> مفهومی انتزاعی است که در هم‌تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۹). تهدیدها به انواع داخلی، خارجی و تهدیدات فراملی قابل تقسیم هستند.

۱-۳-۳- تهدیدات داخلی: تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های ملی، فقدان امنیت و ناامنی را در امنیت ملی یک کشور مورد توجه قرار می‌دهند، مانند نابرابری اقتصادی، تأثیرات فشارهای اقتصادی در جامعه، رشد بی‌رویه جمعیت و نتایجی از قبیل تورم، بیکاری، حاشیه‌نشینی و کمبود منابع و...؛

۲-۳-۳- تهدیدات خارجی: شامل جوهی چون جنگ و تهاجم نظامی، الحاق سرزمین کشوری به کشور دیگر، اشغال بدون درگیری، دخالت در امور داخلی کشور دیگر، براندازی، برهم خوردن توازن قوا، عملیات پنهان سیاسی، مناقشات بین‌المللی.

<sup>1</sup> Threats

۳-۳-۳- تهدیدات فراملی: این نوع تهدیدات بشریت را درگیر کرده است؛ مانند بیماری‌های لاعلاج، مشکلات زیست محیطی، قاچاق انسان، گروه‌های مافیایی، تروریسم بین‌المللی و... (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۸۶).

#### ۳-۴- سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>

با تعمق در مؤلفه‌های امنیت ملی در ابعاد درونی آن، پی به پیوند عمیق و معنادار این گونه مؤلفه‌ها با شاخصه‌های سرمایه اجتماعی می‌بریم. اگرچه این مفهوم در حوزه جامعه‌شناسی پیشینه چندانی ندارد، اما ضرورت و کاربرد آن در تمامی عرصه‌های علوم انسانی، توانسته بر آن جایگاه و منزلت ویژه‌ای فراهم سازد. حال سؤال این است که چگونه «سرمایه اجتماعی» می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء امنیت ملی گردد؟ به عبارت بهتر، سرمایه اجتماعی در طول هشت سال دفاع مقدس چگونه توانست تأمین و تضمین امنیت ملی را برای کشور به ارمغان آورد؟ پاسخ به این سؤالات، همان چیزی است که در این پژوهش بدان خواهیم پرداخت.

یکی از سرمایه‌های مهم هر جامعه‌ای که از مؤلفه‌های اساسی و مؤثر در توسعه و ثبات آن کشور محسوب می‌شود، سرمایه اجتماعی است. این سرمایه زیربنای توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک کشور را تشکیل می‌دهد. اهمیت این سرمایه، به میزانی است که از آن به عنوان «ثروت نامرئی» یک کشور یاد می‌کنند و از رهگذر این سرمایه حیاتی است که انسجام، اعتماد متقابل، حسن اطمینان، همبستگی و مشارکت جمعی در جامعه فراهم می‌آید و هرگونه کاهش در آن، منجر به کاهش مشارکت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می‌شود و همچنین رشد آسیب‌ها و جرائم اجتماعی، بی‌اعتمادی، یأس و ناامیدی و احساس محرومیت نسبی و بسیاری از ناهنجاری‌ها نیز نتیجه تقلیل سرمایه اجتماعی است.

سرمایه اجتماعی پیشینه طولانی ندارد و برای نخستین بار، توسط «هانی فان<sup>۲</sup>»، از دانشگاه ویرجینیای غربی در آمریکا مطرح شد؛ اما علی‌رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی، تا سال ۱۹۶۱ که توسط جین جاکوب<sup>۳</sup> در برنامه‌ریزی به کار برده شد، شکل جدیدی به خود نگرفت. جین جاکوب در اثر کلاسیک خود با نام «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» (۱۹۶۱)، از مفهوم

<sup>۱</sup> Social Capital

<sup>۲</sup> Hani fan

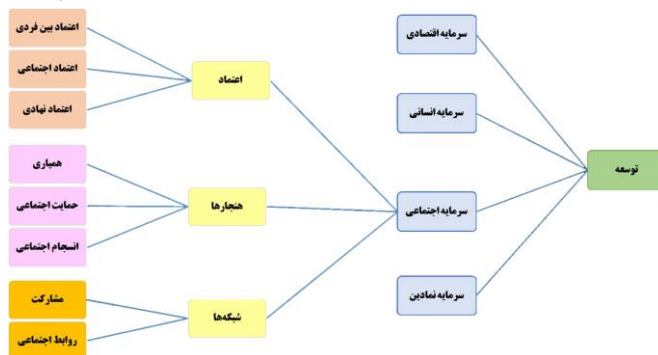
<sup>۳</sup> Gine Jacob



سرمایه اجتماعی به صورت گسترده‌ای استفاده کرد (منظور و یادی پور، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

جیمز کلمن<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را منبع خاصی می‌داند که این منبع کنش‌هایی را که «به طور ذاتی در ساختار روابط کنشگران یا ابزارهای مادی تولید نهفته نیستند، تسهیل می‌کند» (نش و اسکات، ۱۳۸۸: ۳۳). از نظر فرانسیس فوکویاما<sup>۲</sup> سرمایه اجتماعی آن نوع از شبکه‌ی روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی میان فردی و برون‌گروهی و تعاملات افراد با نهادها و گروه‌های اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در قالب مشارکت اجتماعی جهت بالا بردن انسجام اجتماعی در جامعه<sup>۳</sup> می‌گردد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹۲). پی‌یر بوردیو<sup>۳</sup> نیز سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می‌داند که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (Bourdieu, 1992, p. 38). رابرت پاتنام<sup>۴</sup> یکی دیگر از محققین اخیر سرمایه اجتماعی است که آن را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید عمده‌ی وی بر مفهوم اعتماد است. به منظور بهبود انتقال مفهوم سرمایه اجتماعی در مطالعات «رابرت پاتنام»، سنجه‌های اصلی و فرعی آن در قالب یک نمودار ترسیم شده است (Putnam, 2002, p. 45)

شکل شماره ۱: سنجه‌های اصلی و فرعی توسعه از نظر رابرت پاتنام



Putnam, 2002, p. 45

<sup>1</sup> James Coleman

<sup>2</sup> Francis Fukuyama

<sup>3</sup> Pierre Bourdieu

<sup>4</sup> Robert Putnam

در نهایت می‌توان مناسب‌ترین تعریف سرمایه‌اجتماعی را به شرح زیر صورت‌بندی کرد: «سرمایه اجتماعی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن بالاترین و مطلوب‌ترین سطح مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی در جامعه جریان داشته باشد» (راد و فتحی، ۱۳۹۳: ۴۸). نکته قابل تأمل در تعریف سرمایه اجتماعی این است که این سرمایه حتی اگر مفهومی واحد باشد، قطعاً مصداق واحدی در همه جوامع ندارد و اقتضای سرمایه بودن آن این است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل می‌گیرد؛ چرا که هویت ملی، پیشینه تاریخی، باورها، دین، دردها و شادی‌های مشترک، سود و زیان‌های عمومی، فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها و ناهنجاری‌های یک جامعه در چند و چون تولید سرمایه اجتماعی آن نقش دارد و لذا نمی‌توان مؤلفه‌ها و میزان سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف را با شاخص‌های یکسان سنجید (نصوحیان، ۱۳۸۹: ۸۴).

با عنایت به این دست از تعاریف، می‌توان سرمایه اجتماعی را شامل کنش‌گرایی در یک موقعیت اجتماعی، تعاملات بین افراد، گروه‌ها، اجتماعات و نهادها، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های مشترک، مشارکت در شبکه‌ها، احساس اعتماد، امنیت و تعهد متقابل، به هم پیوستگی و هویت گروهی و اجتماعی و استفاده از منابع و منافع مشترک آن دانست (لرنی، ۱۳۸۴: ۶۵). با این گذار اجمالی از پیشینه تاریخی می‌توان سرمایه اجتماعی را در قیاس با سایر سرمایه‌ها معرفی کرد. براین اساس، سرمایه در یک تقسیم‌بندی کلان به چهار دسته قابل تفکیک است:

۱- سرمایه مادی<sup>۱</sup> (اقتصادی): به کالاهای سرمایه‌ای قابل لمس، مثل تجهیزات، ماشین‌آلات، کارخانه و ساختمان اطلاق می‌شود که در برابر «سرمایه انسانی» به کار می‌رود (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۳۶). اقتصاددانان اولین گروهی بودند که سرمایه اجتماعی را در تناظر با سرمایه اقتصادی به کار بردند. این سرمایه بعدها با محدودتر شدن به برخی هزینه‌های دولتی اصلاح گردید و جانشین سرمایه اجتماعی برای اقتصاددانان، اصطلاحات دیگری مانند: «زیرساخت اجتماعی»<sup>۲</sup> و «خدمات اجتماعی»<sup>۳</sup> گردید (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

۲- سرمایه انسانی<sup>۴</sup>: این مفهوم بسیار نزدیک به سرمایه اجتماعی بوده و مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی و جمعی را در بر گرفته و به معنای سرمایه‌گذاری به منظور پرورش انسانی فرهیخته، سالم و

<sup>۱</sup> Physical Capital

<sup>۲</sup> Social Infrastructure

<sup>۳</sup> Social Services

<sup>۴</sup> Human Capital

مطلع است. در واقع سرمایه انسانی را باید مهارت و توانایی دانست که افراد آن را کسب می‌کنند، مانند توانایی‌هایی در زمینه کسب میزان تحصیلات، توانایی‌های کلامی و ارتباطی، اعتمادبه‌نفس، قدرت‌رهبیری و...؛ از این توانایی‌ها می‌توان به عنوان ابزاری برای رشد و توسعه سرمایه‌های اجتماعی استفاده کرد. وجه تفاوت سرمایه انسانی با سرمایه اجتماعی در این است که سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌ها و سرمایه انسانی متعلق به افراد است (Bourdieu, 1992, p. 38).

۳- سرمایه فرهنگی<sup>۱</sup>: یکی دیگر از مفاهیم نزدیک به سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی یا نمادین است. به تعبیر پی‌یر بوردیو، وقتی از سرمایه فرهنگی سخن می‌گوییم مجموعه‌ای از دانش‌ها و توانایی‌های شناختی را مدنظر قرار می‌دهیم که در شکل کالاها و ابزارهای فرهنگی متجلی می‌شود.

۴- سرمایه اجتماعی: همان‌گونه که گفته شد امروزه در کنار سرمایه‌های مادی، انسانی و فرهنگی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (Bourdieu, 2021, p. 78). سرمایه اجتماعی، یا بُعد معنوی یک اجتماع، میراث تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان قابل توجهی از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آمده و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را امکان‌پذیر سازد.

#### ۴- عناصر و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

مفاهیمی مانند اعتماد، مشارکت، آگاهی، همکاری، انسجام، وفاق و هویت از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک در تمامی جوامع و در همه زمان‌ها معرفی شده‌اند. این مؤلفه‌ها جوهره اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل داده و نیز دارای روابطی هم‌افزا، تقویت‌کننده و مقوم در رابطه با یکدیگر می‌باشند. در این راستا، تلاش خواهد شد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی احصاء نموده و آن‌هایی را که مرتبط با بحث حاضر هستند مورد اشاره قرار داد. بر این اساس می‌توان مهمترین این مؤلفه‌ها را به شرح زیر ارائه نمود:

##### ۴-۱- اعتماد، اعتماد اجتماعی<sup>۲</sup>

از جمله عناصر مهم سرمایه اجتماعی و حتی اولین جز این سرمایه، اعتماد است که به نوع

<sup>1</sup> Culture Capital

<sup>2</sup> Trust, Social Trust

ارتباط بین افراد مربوط شده و بر کامیابی و موفقیت افراد، صداقت و اشتراک اطلاعات و خوبی کردن به یکدیگر بنا شده است. اعتماد، انتظار مثبت یک فرد از دیگری است تا با او رفتار فرصت طلبانه‌ای (چه در گفتار، چه در عمل و چه در تصمیم‌گیری) نداشته باشد. دو عنصر مهم تعریف، به آشنایی و ریسک اشاره دارد (Jerónimo, 2010: 89). اعتماد یک حالت روان‌شناختی است که در برگیرنده پذیرش دیگران است که بر پایه انتظار مثبت از مقاصد و رفتار دیگران شکل می‌گیرد و بسیار آسیب‌پذیر است (رحمتی و ملایی، ۱۳۸۹: ۲۵۳). اعتماد اجتماعی از مفاهیم نزدیک به اعتماد است که آقابخشی در فرهنگ علوم سیاسی، آن را حُسن ظن فرد نسبت به افراد جامعه تعریف می‌کند. برای ایجاد اعتماد اجتماعی باید شرایطی فراهم شود تا مردم در کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت کنند (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۵۵۱).

اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت (برابری) بوده و نیز امنیت اجتماعی زاینده آن‌ها می‌باشد. از سوی دیگر، بی‌اعتمادی پدیده‌ای روان‌شناختی است که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد، این روند از نقطه نظر کلان به بی‌اعتمادی در سطوح ملی می‌رسد، پدیده بی‌اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از فرد می‌گیرد و او را به موجودی بی‌حرکت و خستی تبدیل می‌کند. فراگیر شدن بی‌اعتمادی در جامعه، اتحاد و پیوستگی ملی را به قیمت کسب امنیت فردی به حداقل می‌رساند (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۹). با این تعاریف می‌شود سه سطح از اعتماد را باز شناخت که عبارتند از: اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد عام یا تعمیم یافته (نصوحیان، ۱۳۸۹: ۸۶).

### رابطه اعتماد اجتماعی و امنیت

از آنجایی که روابط اجتماعی پیش از آنکه مبتنی بر اجبار باشد بایستی مبتنی بر تعهد باشد، لذا نقش اعتماد در روابط متقابل بسیار حائز اهمیت است. هرچه اعتماد در جامعه‌ای بیشتر باشد، امنیت آن جامعه نیز بیشتر است. در نتیجه یکی از مهم‌ترین متغیرهای اساسی تأثیرگذار بر احساس امنیت، سرمایه اجتماعی و جزء اصلی آن یعنی اعتماد است. به عبارت دیگر، امنیت متغیر وابسته‌ای است که تحت تأثیر اعتماد بین اشخاص و اعتماد عام در کلیه تعاملات اجتماعی در محیط‌های زیست انسان امکان نمود می‌یابد. در جامعه‌ای که بی‌اعتمادی حکمفرما باشد، فرد احساس خطر، ناامنی، ترس و وحشت می‌کند و تحولات اقتصادی و اجتماعی ناامن برای فرد به وجود می‌آید. از سوی دیگر، بی‌اعتمادی در سطح جامعه، عدم «همبستگی ملی» را در پی دارد. به طور کلی وجود

جو اعتماد حاکم بر جامعه، ظرفیت‌های نظام را بالا برده، دامنه مشروعیت را افزایش داده، امنیت اجتماعی و ملی را تأمین ساخته و در نتیجه موجودیت و بقای جامعه را تضمین می‌نماید.

## ۲-۴- روابط متقابل اجتماعی<sup>۱</sup>

ارتباط بین دو فرد، دو گروه یا آحاد جامعه را که بر اساس تفاهم، همکاری و دوستی یا تقابل، تنش، دشمنی و یا همسازی و انطباق باشد، روابط متقابل اجتماعی (تعاملات) می‌گویند. برقراری ارتباط متقابل فقط به دلیل شناخت مستقیم افراد از یکدیگر نیست، بلکه در جهت به دست آوردن منافع دو طرفه و دو جانبه می‌باشد. روابط اجتماعی و یا به عقیده اندیشمندان این حوزه «شبکه‌های اجتماعی»، از مؤلفه‌های بنیادین سرمایه اجتماعی است. روابطی که میان انسان‌ها برقرار می‌شود، لزوماً رسمی نیست و به صورت مستقیم برقرار نمی‌شود. از منظر جان فیلد سرمایه اجتماعی، تنها در شبکه اجتماعی می‌تواند تولید شود و ادامه حیات داشته باشد (ردادی، ۱۳۸۹: ۸۹).

در هر گروه مولد سرمایه اجتماعی، عنصر «همبستگی» وجود دارد. یعنی افراد گروه تحت تأثیر اقدامات یکدیگر هستند و به یکدیگر نیاز دارند (ردادی، ۱۳۸۹: ۹۰). براین اساس رابطه سرمایه اجتماعی و شبکه اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم و هم‌بسته است؛ بدین معنا که سرمایه اجتماعی هنگامی تولید می‌شود که رابطه اجتماعی بالا باشد و از سوی دیگر، سطح روابط متقابل اجتماعی، منوط به میزان سرمایه اجتماعی در جامعه است. میزان تأثیرگذاری روابط متقابل و سرمایه اجتماعی خود بر احساس «هویت» در میان افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارد و دستیابی به هدف مشترک را تسهیل، انسجام و همبستگی را تقویت، اعتماد به نفس ملی را افزایش داده و سطح مصونیت از خطر و ایجاد امنیت ملی را مرتفع می‌سازد.

درهشت سال دفاع مقدس، حضور فرماندهان در جنگ و جبهه‌ها و صمیمیت و تواضع آن‌ها، باعث شناخت همه افراد به لحاظ روحیات و استعدادها می‌شد و هر کسی در هر جایی که مستعد بود، گمارده می‌شد. این موضوع باعث شده بود تا افراد تلاش کنند اعتماد فرماندهان نسبت به خود را به حداکثر برسانند و در این راستا به ارتقاء توانایی‌های خویش همت گمارند. از سوی دیگر، وجود حس فروتنی و تواضع فرماندهان نسبت به رزمندگان سبب می‌شد که بین آن‌ها اعتماد، دوستی و محبت، تشویق به اطاعت از قانون، ایجاد زمینه نظم‌پذیری و قانونمندی به وجود آید. وقتی سربازان، فرماندهان را که نقطه اتکاء آن‌ها بودند، به عنوان یک یار صمیمی می‌شناختند و

<sup>1</sup> Social Interaction

به آنان اعتماد می‌کردند، واضح است که وی را در غم و شادی خود شریک دانسته و از سوی دیگر شبکه‌های اعتماد میان خود سربازان، مانع از شکل‌گیری آنومی و بی‌هدفی در آن‌ها می‌شد (شهرام‌نیا و خدای، ۱۳۸۸: ۱۵).

### ۳-۴- مشارکت اجتماعی<sup>۱</sup>

منظور از مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی یکدیگر را یاری نمایند و در مسئولیت کار، شریک شوند. تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه، بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است. مشارکت و همبستگی به‌عنوان حوزه‌های تولیدکننده سرمایه اجتماعی، بُعدی است که بیشترین توجه را به خود معطوف کرده است (رحمتی و ملایی، ۱۳۸۹: ۲۵۵).

دفاع مقدس یکی از عرصه‌های نمود و حضور طیف‌های متفاوت و گوناگون جامعه ایرانی در جنگ تحمیلی بود که بیانگر مشارکت همه جانبه افراد ملت از هر قشری، در راستای دفاع از کیان ملی و ارزش‌های انقلاب اسلامی بود. حضور فرد فرد ملت در جبهه‌های نبرد، نشان از روحیه همکاری و هم‌نوایی در مواقع حساس و بحرانی در جهت نیل به اهداف و منافع ملی بود. واقعه هشت سال دفاع مقدس را می‌توان آزمونی برای همبستگی ملی و تجلی اراده و روحیه ملی قوی ایرانیان دانست. ظهور روحیه ملی به شکل «افکار عمومی» عاملی است که بدون حمایت آن هیچ دولتی، اعم از دموکراتیک یا اتوکراتیک (یکه‌سالار)، قادر نخواهد بود سیاست‌های خود را به طرز مؤثری دنبال کند (حسین‌پور پویان، ۱۳۸۹: ۲۷۳).

### ۴-۴- انسجام، همبستگی و وفاق ملی

امیل دورکیم از اولین جامعه‌شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده است و وجود آن را برای هر جامعه‌ای لازم می‌داند، وی می‌گوید: «انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جایی که افراد متصل به جماعت و اجتماعی شده باشند، جایی که کنش‌ها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هماهنگ شده‌اند و جایی که نابرابری‌ها قانونی تصور می‌شود» (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۰). همبستگی و

<sup>1</sup> Social Participation

<sup>2</sup> Solidarity

انسجام اجتماعی ناشی از وجود اشتراکات سیاسی، نظامی، فرهنگی و یا ایدئولوژیک است که طی سالیان متمادی شکل می‌گیرد. همبستگی، انسجام و یکپارچگی ملی، به افزایش قدرت ملی می‌انجامد. همبستگی و انسجام اجتماعی دارای کارکردهای دیگری نیز هست که جلوگیری از گرایش اقلیت‌های ملی و مذهبی به بیگانگان، تقدّم منافع ملی بر منافع فردی و گروهی، افزایش مشارکت سیاسی مردم و... از جمله آن است (شیرودی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (علی‌رغم حمایت‌های دو بلوک شرق و غرب از صدام) یک هویت منسجم مبتنی بر اصل «نه شرقی - نه غربی» در ایران شکل گرفت و جنگ تحمیلی به‌عنوان یک نیروی انسجام‌بخش در داخل ایران عمل کرد و مردم را اطراف رهبر خود گرد آورد. در همین راستا «کوزر» بر این اعتقاد است که «دشمن مشترک، باعث بالا رفتن پیوند درون‌گروهی می‌شود». بنابراین در دوران دفاع مقدس، جنگ تحمیلی باعث جدایی نبود؛ بلکه اکثر قریب به‌اتفاق نیروهای سیاسی کشور، خواه به دلیل «دفاع از نظام برآمده از انقلاب» یا به دلیل «دفاع از خاک وطن» یا به‌دلیل «مقابله با امپریالیسم آمریکا و شوروی» که تهاجم عراق را هم‌سو با منافع آن‌ها می‌دانستند، نیروهایشان و مردم را به مقابله با مهاجم فراخواندند. همان‌گونه که چارلز تیلی در خصوص حوادث جهانی در سده هفدهم و هجدهم، برای نشان دادن ارتباط میان هویت‌های ملی جدید و جنگ، تصریح روشنی دارد مبنی بر اینکه «کشور جنگ را ساخت و (از آن پس) جنگ کشور را»، در مورد سرزمین ایران، این ادعا به مفهومی واقعی در دوران دفاع مقدس مصداق پیدا کرد (حسین‌پور پویان، ۱۳۸۹: ۲۷۶).

در زمان جنگ تحمیلی به دلیل موقعیت بحرانی و بسترهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه ایران، گرایش‌ات فردگرایانه و ترویج روحیه جمع‌گرایی و درهم تنیدگی روابط اجتماعی، بافت اجتماعی جامعه ایران دستخوش تغییر شد. این درهم تنیدگی روابط اجتماعی باعث افزایش انسجام ملی و فرهنگی، کاهش قوم‌مداری، تضادها و شکاف‌های مذهبی شد و تک‌تک افراد جامعه را در یک صف واحد در برابر متجاوز قرار داد. نتیجه این درهم تنیدگی روابط اجتماعی، مشارکت همه جانبه ایرانی‌ها از تمام اقوام و ادیان در دفع تجاوز، تعاون و همکاری در کارها بود.

با کم‌رنگ شدن زمینه‌های اختلافات داخلی، روحیه حفظ وحدت ملی و میهن‌پرستی شکل گرفت؛ کمک‌های مالی و حضور در جبهه‌ها در دوره هشت‌ساله دفاع مقدس، همه حکایت از انسجام ملی و فرهنگی ایرانیان صرف‌نظر از هر دین، قوم و زبان دارد. برخی بر این باور بودند که

نظام سیاسی جمهوری اسلامی با تجاوز خارجی و تشدید شکاف‌های داخلی به دلیل تنوع قومیتی- مذهبی از پا درخواهد آمد. اما با گذشت زمان، شرایط به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ شکاف‌های قومی و مذهبی نه تنها تشدید نشد، بلکه در نتیجه درهم تنیدگی روابط اجتماعی، منجر به شکل‌گیری سرمایه‌اجتماعی شد که یکی از دلایل شکل‌گیری روحیه مقاومت و ایثار در دفاع مقدس بود. بر این اساس، تمام خرده‌فرهنگ‌ها و اقلیت‌ها در یک صف واحد مقابل دشمن متحد شده و ایستادگی کردند.

#### ۵-۴- ارزش‌ها<sup>۱</sup>

ارزش‌ها شکلی از تجلی روابط اخلاقی در جامعه، یا معیارهای مشترک فرهنگی هستند که به موجب آن‌ها، قدر و اهمیت اخلاقی یا زیباشناختی، نظری و یا عقلی چیزهایی که موضوع آرزو یا نیاز و یا برداشت‌های افرادند، تعیین و سنجیده می‌شود. به‌طور کلی، ارزش‌ها بیانگر آنچه خوب، پسندیده و درست، یا بد، ناپسند و نادرست در هر فرهنگ است (آقابخش، ۱۳۷۹: ۶۱۹) می‌باشند و مسائلی همچون: اعتماد، صداقت، هم‌دردی، مشارکت مردمی، شهادت‌طلبی، ایثار و... را شامل می‌شوند.

ارزش‌ها از باورهای مُسلم یک ملت سرچشمه می‌گیرند و در عرصه‌های گوناگون فعالیت آن‌ها تأثیر می‌گذارند. ارزش‌ها با کارویژه‌های خود تأثیری مستقیم بر «عزت نفس ملی» می‌گذارند. در این رابطه، عمل به ارزش‌ها مهم‌ترین عامل در ایجاد عزت نفس است و عمل به ارزش‌ها هم ریشه در باورها و فرهنگ ملی دارد و هم در آموزه‌های دینی که همواره مورد تأکید قرار گرفته است. در همین راستا عزت نفس ملی باعث می‌گردد که جامعه به‌نوعی از خودباوری، اتکا به نفس و غیرت ملی برخوردار گردد.

مراد از «غیرت ملی» احساس مسئولیت در برابر تمامیت ارضی کشور و دلسوزی و حمایت از هم‌وطنان و عزت و شرف آنان است و وطن‌دوستی و مشارکت در دفاع از میهن و هم‌میهنان، حسی است که در سرشت انسانی عجین است و از سوی اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است. پیامبر اکرم (ص) نیز در این خصوص می‌فرماید: «حَبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» (وطن‌دوستی، از ایمان است) (الهامی‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۷).

بر این اساس، ارزش‌هایی که در حماسه دفاع مقدس تبلور یافت و از عوامل مهم پیروزی

<sup>1</sup> Values



بردشمن بود، ریشه در فرهنگ ناب اسلامی و باورهای دینی رزمندگان اسلام داشت. آنان براساس آموزه‌های قرآنی، ارتباط خود را با خداوند متعال نزدیک و استوار کرده بودند. این ارتباط که با یاد خدا - به وسیله نماز و انس با قرآن، دعا و راز و نیاز- و نیز اخلاق‌ورزی و توکل پدید می‌آمد، آرامش را بر گستره جانشان چیره و از امداد و نصرت الهی برخوردار می‌ساخت. همین ارتباط وثیق آنان را مجهز به روحیه شهادت‌طلبی کرده بود. بر این اساس، مهمترین ارزش‌های اخلاقی در رزمندگان در طول دفاع مقدس عبارت بودند از: پارسایی، استواری و سرافرازی، برادری و گذشت، شوق دیدار، توکل، جهاد، اخلاص، شهادت‌طلبی، یادخدا و توکل به او برای دفاع از کشور، دفاع از انقلاب، اعتماد به نظام اسلامی، تکلیف‌گرایی، ولایت‌پذیری، بیگانه‌ستیزی و... که فقط به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

### ایثار<sup>۱</sup> و شهادت<sup>۲</sup>

ایثار براین اصل مبتنی است که انسان در فطرت خود گرایش به دگرخواهی داشته و باید منافع خود را فدای منافع جمع نماید. شهادت نیز کشته شدن در راه عقیده و به دست مخالفان دین تعریف شده است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۳۴۲). ایثار و شهادت‌طلبی از جمله ارزش‌ها و هنجارهایی است که توسط اسلام توصیه شده و بسیاری از مکاتب از آن بی‌بهره‌اند. ایثار از اخلاص سرچشمه گرفته و بی‌گمان، ایثاری که برای دفاع از شرف و ناموس اسلام و مسلمین و برای دفاع از کیان کشور صورت می‌گیرد، نتیجه‌هایی نیک و ارزشمند در پی خواهد داشت.

شهادت نیز به مانند ایثار، گذشتن از گران‌بهارترین دارایی خود، یعنی روح و جان، به خاطر عشق به میهن، ناموس و رضایت پروردگار است. به عبارتی دیگر شهادت یعنی فنا شدن نه به مفهوم معدوم شدن، بلکه به معنای «محو شدن در وجود الهی». بنابراین در میان ارزش‌های والای اسلامی «شهادت» جایگاهی خاص و درخششی ویژه دارد. از آن رو در فرهنگ ایثار و شهادت، دفاع از جان و ناموس ملت یک ارزش محسوب می‌شود که اجر و پاداش آن فقط در نزد پروردگار است.

این تفکر ارزشی در تمام هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بر فرهنگ ملی ایرانیان سایه انداخته بود و تحت لوای همین تفکر بود که ملت ایران توانست در مقابل یکی از مجهزترین ارتش‌های وقت دنیا با حمایت همه‌جانبه قدرت‌های غربی و شرقی قد علم کند. از این رو فرهنگ ایثار و

<sup>1</sup> Altruism

<sup>2</sup> Martyrdom

شهادت، به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در سرنوشت جنگ تحمیلی به عنوان نیروی محرکه بقیه عوامل تأثیرگذار در دوران هشت سال دفاع مقدس عمل کرد (حسین پور پویان، ۱۳۸۹: ۲۷۸).

#### ۶-۴- دین (مذهب) و ایدئولوژی<sup>۱</sup>

ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) در سه چیز با هم مشترک‌اند: توحید، نبوت و معاد. دین به مذاهب و فرقه‌ها تقسیم می‌شود. اهل مذاهب و فرقه‌های یک دین در اصول دین با هم مشترکند و در فروع اختلافاتی دارند (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۹۸). دین نیز یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی در ابعاد فرهنگی است. برخی از مذاهب و ادیان با ترویج ارزش‌هایی نظیر: ایثار، صداقت، مشارکت، تعاون و... موجبات ارتقاء سرمایه اجتماعی را در میان پیروان خود فراهم می‌کنند. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹۱)

در تعریف ایدئولوژی نیز چنین آمده است: «روش فکری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاص با کلیه نظریات، اهداف و مسائل مربوط به آن را ایدئولوژی گویند. رسالت هر ایدئولوژی در این است که برای منافع بنیادین و بلندمدت این یا آن طبقه و یا قشر اجتماعی جامعه، اساس و پایه تئوریک به وجود آورد و بیانگر آن به شکل اندیشه و تفکری منسجم باشد و اهداف پیشرفت اجتماعی را تدوین کند (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۲۶۵). در ایدئولوژی فرد با پیوستن به یک گروه و یا مسلک خاص، از تنهایی نجات یافته، احساس امنیت کرده و در برابر تهدیدات بهتر مقاومت می‌کند.

بنابراین در جوامع مذهبی، زمینه رشد سرمایه اجتماعی فراهم‌تر است. زیرا هرچه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شود، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیرتر خواهد بود. همچنین نکته مهم در مذهب، ترویج اعتماد است که این اعتماد، شالوده و بن‌مایه سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و بدون آن سرمایه اجتماعی معنا و مفهومی ندارد. هر مذهب، فارغ از آنچه در جهان واقعی باشد، معتقدین خود را به اعتماد فرا می‌خواند و با ارائه یک جهان‌بینی، سعی می‌کند محیط دینی را قابل اطمینان معرفی نماید (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

در انقلاب اسلامی نیز، عنصر مذهب و ایدئولوژی، همواره سهم بزرگی در تکوین و غنای سرمایه اجتماعی جامعه ایران داشته و از جایگاه برتری برخوردار بوده‌اند. به‌طور کلی، مذهب، یک نهاد اجتماعی جهانی، عمومی و دارای اشکال متنوعی است. درحقیقت مذهب یا دین می‌تواند با ایجاد یک جهان‌بینی واحد در افراد یک اجتماع، نوعی هماهنگی و همدلی میان آن‌ها ایجاد نماید. همچنین

<sup>۱</sup> Religion and Ideology

افراد یک اجتماع با پیروی از دستورات دینی می‌توانند به یک فهم مشترک از مسائل مادی پیرامون خود و نیز مسائل معنوی دست‌یابند که با عمل و پایبندی به این دستورات، نوعی اعتماد، مشارکت اجتماعی، تعهد و همسویی - که لازمه ایجاد سرمایه اجتماعی است - بین آنها به وجود خواهد آمد. مذهب و ایدئولوژی همانند سایر عناصر فرهنگی، در صورتی می‌توانند عامل افزایش قدرت ملی گردند، که به‌نحو مطلوبی در جهت تقویت روحیه ملی، تجهیز امکانات، بسیج نیروها و... به‌کار گرفته شوند. بر این اساس، در اسلام و ایران نیز هرگاه عناصر ظلم‌ستیزی و فسادگریزی اسلام و به‌ویژه شیعه مورد سؤاستفاده قرار گرفته، ایدئولوژی اسلامی وسیله‌ای برای ایجاد شور و تحرک انقلابی و تسریع در تحقق برنامه و طرح‌های استراتژیک (مانند مقابله با تجاوز عراق علیه ایران) شده است (شیرودی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

در نگرش رزمندگان و آحاد مردم ایران، جنگ تحمیلی کنش معطوف به انگیزه و هدف بود که این کنش بر اساس اهداف مکتبی تعیین شد. در اسلام نبرد برای مقابله با ستم، بی‌عدالتی، فساد و... به منزله متعالی‌ترین باورهای دینی است. بر اساس چنین نگرشی، از دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup>، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برای ایرانیان که مورد ستم و تجاوز قرار گرفته و حقوق‌شان پایمال شده بود، جهادی مقدس، معنوی و متعالی تلقی گردید. از این رو، ایشان در بیانات خود در مورد جنگ تحمیلی عراق بارها از واژه‌هایی چون «جهاد مقدس»، «جنگ مقدس»، «جهاد اسلامی»، «دفاع مقدس» و... یاد می‌کردند.

در طول هشت سال دفاع مقدس، آموزه‌های دینی که از اسلام، قرآن و سیره معصومین<sup>(ع)</sup> نشأت گرفته بود و در کلام رهبر نظام اسلامی، تجلی پیدا می‌کرد به‌منزله یکی از مهم‌ترین منابع رفتاری ایران در مقابل تهاجم عراق به‌شمار می‌رفت. بیان و رفتار امام خمینی<sup>(ره)</sup> در مقام بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در جنگ تحمیلی، در قالب گفتمان دینی بود و وی از این زاویه به موضعگیری می‌پرداخت. ایشان سخنان خود را بیشتر خطاب به مسلمانان بیان می‌کردند و سخنرانی‌های‌شان در بر دارنده تعبیر و واژه‌هایی اسلامی بود. در طول جنگ تحمیلی و فراز و نشیب‌های آن همانند فتح خرمشهر، فتح فاو، جنگ شهرها، بازپس‌گیری فاو، سقوط هواپیمای مسافربری و پایان جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، نیز علل و نتایج حوادث و وقایع بر اساس آموزه‌های دینی تعبیر و تفسیر شد. مصداق بارز این امر را می‌توان فتح خرمشهر دانست که از نظر رهبران نظام، زمانی به‌وقوع پیوست که رفتار دینی، عقلائی، شجاعت و ابتکار مبارزان ایرانی به هم گره‌خوردند. آن‌جا که امام خمینی<sup>(ره)</sup> حادثه‌ای چون

فتح خرمشهر را امری فوق طبیعت دانستند (شعبانی سارویی، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

رهبری مذهبی امام خمینی<sup>(ره)</sup> را می‌توان یکی از شاخص‌های انسجام اجتماعی و بسیج نیروهای انقلابی در دوران جنگ تحمیلی دانست. درچنین شرایطی، امکان تحرک جامعه براساس انگیزش‌های درونی درجهت مقاومت فراهم گردید. در میان عوامل اجتماعی مؤثر و تأثیرگذار در پیروزی جمهوری اسلامی ایران بر رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی، قدرت‌رهبری بسیار درخور توجه است (ترابی، ۱۳۸۵). به‌طورکلی، درطول جنگ تحمیلی و پس از آن، ایدئولوژی انقلاب اسلامی، توانست وحدت نیروهای سیاسی داخلی و همچنین انسجام و همبستگی آحاد جامعه را فراهم نموده و باعث افزایش سرمایه اجتماعی شود که خود این موضوع باعث افزایش امنیت ملی حداقل در بعد داخلی آن، در دوران دفاع مقدس شد.

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت ملی با محوریت و تأکید بر هشت - سال دفاع مقدس صورت گرفته است. فرضیه اصلی تحقیق این بود که «بین میزان سرمایه اجتماعی و امنیت ملی رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد». بدین معنا که به هر میزان سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد، به همان میزان امنیت ملی نیز تقویت می‌گردد و بالعکس. لذا این فرضیه در مطالعه موردی دفاع مقدس در بوته تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این فرضیه، تأیید کننده نظر رابرت پاتنام بود که بر نقش سرمایه اجتماعی در ارتقاء امنیت ملی تأکید دارد. بر اساس نظریه پاتنام و تطابق آن با ایران، در طی هشت سال دفاع مقدس، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی همچون اعتماد و مشارکت، انسجام، همبستگی و وفاق ملی با همیاری ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و ایرانی توانست حفظ و ارتقاء امنیت ملی را به خصوص در بعد داخلی، برای ایران به ارمغان آورد.

در طی جنگ تحمیلی هشت ساله، علی‌رغم نظر بسیاری از تحلیل‌گران جهانی و غربی که ایران و نظام سیاسی آن را بازنده کارزار می‌دانستند، تعاملات و در هم‌تنیدگی‌های روابط اجتماعی در قالب اعتماد و مشارکت اجتماعی و همگامی آن‌ها با ارزش‌های دینی و ملی ایران مانند فرهنگ ایثار، شهادت، شجاعت و تعاون، توانست مجموعه منسجمی را با نام «سرمایه اجتماعی» به وجود آورد که برونداد آن چیزی جز تأمین و تضمین امنیت ملی در بعد داخلی و بقاء نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نبود.

از مجموع آنچه که به اجمال بیان گردید می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که اساساً، بقاء و دوام یک نظام سیاسی، یک جامعه و یک کشور آن هم در شرایط بحرانی و مخاطره، منوط به عاملی نرم‌افزاری، غیرعینی و ذهنی است که این عامل را سرمایه اجتماعی نام نهاده‌اند. از منظر صاحب‌نظران، شاخص «اعتماد» بن‌مایه اصلی و بنیادین سرمایه‌اجتماعی در کنار مؤلفه‌های دیگری مانند مشارکت اجتماعی، همبستگی، وفاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که با تأثیرگذاری بر شاخص‌های فرهنگی یک جامعه و مخصوصاً جوامع اسلامی مانند ایران، همچون نظام ارزش‌ها و هنجارها، مذهب و ایدئولوژی، رهبری و... را در جهت تأمین و تضمین امنیت ملی بسیج کرده و عناصری حیات‌بخش مانند ایثار و شهادت‌طلبی، صداقت، توکل به‌خدا و رهبری، استواری و سرافرازی، برادری و گذشت، اخلاص و اعتماد به نظام اسلامی و تکلیف‌گرایی را برای مقابله با تهدیدات و تجاوزات به میدان کارزار آورد.

تجربه هشت سال دفاع مقدس، ایستادگی و پایداری ملت ایران از هر طبقه، نژاد، طیف، سن و جنسی را نشان داد که اگر نظام سیاسی و حاکمیت، در دل آحاد جامعه جایگاهی داشته باشند، هیچ نیرو و دشمنی یارای آسیب رساندن به حاکمیت، کیان اسلام و سرزمین ایران نخواهد داشت. بی‌تردید گنجینه گران‌بهای دفاع مقدس و حماسه‌آفرینی ملت غیور ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی نشان داد که روحیه ایثار و شهادت‌طلبی در قلوب آحاد ملت جا دارد، عزت‌پذیری و ذلت‌پرهیزی، صفا و اخلاص و شورحسینی، شناخت وظیفه و عمل به‌تکلیف، تلاش برای طلب رضایت پروردگار یگانه، صبر و استقامت در راه هدف، از مهم‌ترین آثاری بودند که از عنصر مهم و تأثیرگذار سرمایه‌اجتماعی عاید گردید و حقیقتاً اگر این عنصر مهم و حیاتی در بین آحاد ملت شریف به‌ویژه در بین جوانان غیور این مرز و بوم وجود نداشت نه انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسید و نه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توان مقابله در مقابل خیل عظیم دشمنان و خصم بعثی فراهم می‌شد.

بنابراین درنهایت باید اذعان داشت که معنویت و توکل به‌خدا، اعتماد، مشارکت، همیاری، صبر و بُردباری در سایه رهبری فهمیم و ارزشی انقلاب سبب شد تا با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی قوی، دفاع‌مقدس به پایان رسد. تجربه ارزشمند دفاع مقدس و عنصر حیاتی سرمایه‌اجتماعی باعث شد که در مواجهه با تهدیدات، چالش‌ها و بحران‌ها چه در عرصه داخلی و چه خارجی استفاده مطلوب و بهینه نموده و امنیت ملی به خصوص در بعد داخلی بسیار تقویت گردد. این الگو می‌تواند سرمشق کشور ایران در تمام دوران‌ها باشد، که سرمایه اجتماعی تأثیر شگرفی بر افزایش امنیت ملی به

خصوص در بعد داخلی دارد. با تأکید بر مؤلفه‌های این پژوهش می‌توان به این موضوع اذعان داشت که برای مقابله با دشمنان همیشگی ایران اسلامی، در عصر پسا دفاع مقدس و در تمام دوران‌ها، بایستی توجه بسیاری به سرمایه‌اجتماعی شود و در جهت تقویت آن بایستی تلاش فراوان نمود.

## کتابنامه

- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- بخشی، عبدالله (۱۳۹۵)، اطلاعات و امنیت در کتاب و سنت، تهران: دانشکده اطلاعات.
- بوزان، باری (۱۳۷۹)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه کیان تاجبخش، تهران: پژوهش شیرازه.
- تائب، سعید (۱۳۸۷)، «مهاجرت نخبگان: شکست روند توسعه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۳، شماره ۱.
- ترابی، طاهره (۱۳۸۵)، «مقاومت‌گرایی ایدئولوژیک در دوران دفاع مقدس»، زمانه، شماره ۵۳ و ۵۴.
- جهانگیری، سعید و همکاران (۱۳۹۹)، «واکاوی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در عرصه جهانی به‌ویژه دفاع مقدس»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۱(۶)، ۹-۳۰.
- حسین‌پور پویان، رضا (۱۳۸۹)، «بسیج و کاربرد قدرت نرم در دوران هشت‌سال دفاع مقدس»، در قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- راد، فیروز و علی فتیحی (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه سیاسی در ایران از سال ۱۳۸۴-۱۳۵۷»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص: ۶۷-۴۳.
- رحمتی، محمدحسین و مصطفی ملایی (۱۳۸۹)، «نگاهی به سرمایه اجتماعی با رویکرد دینی و بررسی تأثیر آن بر افزایش خلاقیت، نوآوری و شکوفایی جامعه»، در قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ردادی، محسن (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم: سرمایه اجتماعی در اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ساداتی نژاد، سید محمدی؛ جعفری فر، احسان و ساداتی نژاد، سید علی (۱۳۹۸)، «نگاه فقهی امام خمینی (ره) به روابط بین الملل»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸، بهار، صص: ۶۳-۲۳.
- شاپوری، مهدی، مسعود موسوی‌شفتایی و احمد سلطانی‌نژاد (۱۳۹۶)، «نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۰، شماره ۸۱.
- شعبانی‌سارویی، رمضان (۱۳۸۴)، استراتژی دفاع مردمی و تأثیر هویتی آن، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۶، شماره ۳.

شهرام‌نیا، امیرمسعود و فرزانه‌السادات خدایمی (۱۳۸۸)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پیروزی عملیات‌های جنگ تحمیلی»، در نخستین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۵)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت.

صالح‌نیا، علی و حسین بختیاری (۱۳۹۷)، اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، صص: ۲۷۷-۲۵۵.

غرایاق زندی، داود (۱۳۹۰)، درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعلی توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.

کاظمی، افسانه و همکاران (۱۳۹۵)، بررسی مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در خاطرات آزادگان دفاع مقدس به مثابه سرمایه اجتماعی، دوفصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۴، صص ۱۴۷-۱۳۹.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

لرنی، منوچهر (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی امنیت، تهران: رامین.

مجموعه نویسندگان (۱۳۸۷)، فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

مردیان، محسن (۱۳۸۸)، تهدید و امنیت(تعاریف و مفاهیم)، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.

منظور، داوود. یادی‌پور، مهدی (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی»، راهبرد یاس، پاییز، ش ۱۵، ۱۶۲-۱۴۰.

مولایی‌آرانی، مهدی. باقری‌کنی، مصباح‌الهدی (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل جهت‌دهنده سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس»، فصلنامه مدیریت اسلامی، ش ۲، صص ۱۰۳-۷۷.

میری‌آشتیانی، الهام (۱۳۸۳)، «بحران امنیت اجتماعی در ایران»، ماهنامه برداشت اول، سال ۳، شماره ۲۲.

نش، کیت و اسکات، آلن (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه دلفروز، تهران: کویر.

نصوحیان، محمدمهدی (۱۳۸۹)، اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در روند تحولات اقتصادی. در فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).



الهامی نیا، علی اصغر (۱۳۸۷)، اخلاق نظامی، تهران: زمزم هدایت.

یزدانفام، محمود (۱۳۹۵)، سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Bourdieu, Pierre, and Loïc Wacquant (1992), *An Invitation to Reflexive Sociology*. Chicago: University of Chicago Press.

Bourdieu, Pierre (2011), *Forms of Capital: General Sociology, Volume 3 Lectures at the Collège de France 1983-1984* Cambridge: Polity Press. ISBN 9781509526703.

Jerónimo Molina Cano, Bouthoul, Gaston, in Nigel Young (Ed.) (2010), *The International Encyclopedia of Peace, vol. I*. Oxford University Press.

Putnam, Robert D (2002), *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, Oxford University Press.